

نیکلای گوگول

تاراس بولبا

www.ketab.ir

برگردان از متن فرانسه:

پرویز شهبادی



سرشناسه:	گوگول، نیکلای واسیلیویچ، ۱۸۰۹ - ۱۸۵۲ م. Gogol, Nikolai Vasil'evich
عنوان و نام پدیدآور:	تاراس بولبا / نیکلاس گوگول؛ گزارنده: پرویز شهدی.
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات به سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۲۰۸ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک:	978 - 600 - 7987 - 47 - 6
وضعیت فهرست‌نویسی:	فبا
یادداشت:	کتاب در اصل به زبان روسی است که از متن فرانسه تحت عنوان «Taras Boulba» به فارسی ترجمه شده است.
موضوع:	داستان‌های روسی - قرن ۱۹ م. Russian fiction - 19th century
شناسه افزوده:	شهدی، پرویز، ۱۳۱۵ - مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۷ ز ۲ PG ۳۳۷۳
رده‌بندی دیویی:	۸۹۱ / ۷۳۳
شماره کتابشناسی ملی:	۵۲۳۲۳۵۲



تاراس بولبا

کتابخانه گنگول

برگردان از متن قرآن: پرویز شهیدی

چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۳ ه. ش.

۵۰۰ نسخه

نسخه‌برداری و آماده‌سازی: گروه تولید انتشارات به‌سخن

تصحیح و نمونه‌خوان: ناهید ابراهیمی

لینوگرافی مهر، چاپ و صحافی تاجیک

طرح جلد: محسن سعیدی

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۷-۴۷-۶

آدرس دفتر: تهران، انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز،

پلاک ۱، واحد ۲ تلفن: ۶۶۹۷۸۴۵۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

ناشر همکار: انتشارات مجید

www.majidpub.com

پیش‌گفتار گزارنده

گوگول اگرچه عمر کوتاهی داشت (چهل و سه سال) و آثاری اندک آفرید، اما آن‌چه از خود به جا گذاشت نه تنها در تاریخ ادبیات روسیه، بلکه در تاریخ ادبیات همه‌ی دنیا خوش‌درخشید و آثارش به همه‌ی زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه و نمایشنامه‌هایش روی صحنه‌ی بیش‌تر تماشاخانه‌های کشورهای گوناگون اجرا شدند. دو اثر بزرگ او: «نفوس مرده» و «تاراس بولبا» یکی در زمینه‌ی طنزی تلخ و انتقادی شدید از دوران ظلم و ستم زمین‌داران بزرگ و بردگی کشاورزان که از کارهای طاقت‌فرسایشان روی زمین‌ها جز نانی بخور و بجز چیزی نصیب‌شان نمی‌شد و با زمین خرید و فروش می‌شدند و دومی حماسه‌ای شکوهمند از قومی به نام قزاق‌ها که در تاریخ روسیه نقش‌های زیادی داشتند و نماد دلاوری، جوانمردی و زندگی مردمانی آزاد بودند که در برابر سلطه‌ی مستبدانه‌ی تزارها سرفروید نمی‌آوردند. در کتاب حاضر، گوگول ضمن شرح عملیات قهرمانانه و سنت‌های این قوم، مانند فردوسی بزرگوار، گاه چنان شاعرانه و دلپذیر می‌نویسد و سرزمین‌های آباد و آزاد دلاوران قزاق را توصیف می‌کند که آدم می‌پندارد دارد شعری بلند را می‌خواند. در مورد تاراس بولبا و مجموعه داستان «شامگاهان نزدیک دهکده‌ی دپکانکا» پس از انتشار، پوشکین درباره‌شان گفت: «از خواندن آن‌ها شگفت‌زده شدم، اثرهایی شادمانه، خالص، صادقانه و عاری از هرگونه فضل‌فروشی و خودنمایی و با چه زبان شاعرانه و چه احساس ژرفی

بیان شده‌اند». بلینسکی، منتقد مشهور هم که نخستین بار داستایفسکی را به دنیای ادب معرفی کرد و کارهایش را ستود، درباره‌ی همه‌ی آثار گوگول چنین اظهار عقیده می‌کرد: «آثاری سرشار از زیبایی و فریبندگی، درباره‌ی آن‌چه در طبیعت دلپذیر است و نیز بیان موشکافانه‌ای از زندگی رقت‌بار کارگران و کشاورزان که ارزش‌شان حتا از گاو و گوسفندها هم کم‌تر است گوگول با داستان تاراس بولبا، حماسه‌ای آفرید هم طراز همه‌ی آثار حماسی ملت‌های دنیا».

گوگول برای نوشتن تاریخچه‌ی زندگی این قوم دلاور، به‌ویژه قزاق‌های زاپروگ که با رشادت‌هاشان اوکراین را که سرزمین آبا اجدادی‌شان بود از لهستان که بر آن تسلط داشت جدا کردند تا به امپراتوری روس بپیوندند و سوای قهرمان‌هایی که در داستان آورده، به مطالعه و بررسی‌های فراوانی که همگی مستند هم بودند پرداخت تا اثر جنبه‌ی تاریخی‌اش را حفظ کند و فقط داستانی حماسی زاییده‌ی ذهن خیال‌پرداز نویسنده نباشد.

پ.ش.

دیماه ۹۶